**QYPrivateKabul270818**

**مصاحبه در محل تولید (پارک صنعتی جمعه محمد محدی)**

**تاریخ 27 اوگست 2018**

ک: از یک معرفی مختصر شروع می کنیم.

QYPrivateKabul270818: مه مسول شرکت [نام شرکت] پلاستیک هستم که یک شرکت تولیدی است و در کابل در ولسوالی بگرامی موقعیت داره و نوع فعالیتش هم فعالیت تولیدی است.

ک: شرکت چی تعداد شاگرد استخدام می کنه؟

QYPrivateKabul270818: این شاگردها خو در مقطع زمانی اش فرق می کنه. در زمانی که ما کار ما زیاد باشه ما کارگر روزمزد هم در این اضافه می کنیم که در او زمان تعداد کارگر فرق می کنه. و به طور اوسط فعلا تا 15 نفر، همین اوسطش همین قدر است. در حالی که در حال حاضر زیاد است. ولی همو اوسطش 15 نفر است. ما این طور وقتی است که ده نفر هم داریم. این طور وقت است که 20 تا 30 نفر هم داریم. ولی اوسط ما 15 نفر کارگر میداشته باشیم.

ک: که ماهوار معاش می گیرند؟

QYPrivateKabul270818: ها، ماهوار معاش می گیرند. این کارگرهای دایمی ما هستند. ما اگر کارگر موقت ره کتیش اضافه کنیم باز او ره ما در لست خود نمی گیریم.

ک: شرکت تولیدش به چی شکل اس، مستقیم با دست است، ماشین اس دست انسان او ره به کار میاندازه، یا این که قسما اتوماتیک است یا کاملا اتوماتیک اس؟

QYPrivateKabul270818: والله [تردید] نیمه اتوماتیک اس. یک قسمت کار این با دست میشه. اصلا خود اصلی تولید پلاستیک ما که اس توسط ماشین میشه ولی بعضی کارهایش در ضمن جریان کار به دست هم صورت می گیره که این ره میشه آدم بگویه نیمه اتوماتیک. اتوماتیک تمام او اس که کل کار توسط جریان ماشین میشه ولی نی، اینجه کاملا اتوماتیک نیس. نیمه اتوماتیک اس.

ک: پس مواد خام از یک طرف داخل میشه از او طرف مواد پخته بیرون می آیه؟

QYPrivateKabul270818: یک قسمت کار را مثلا اگر شما مواد ره داخل مکسر می اندازید، مجبور هستید که با دست انسان او ره پرتین. این ره که مخلوط کردید در مسکر توسط دست کارگر بیرون میشه و به ماشین دیگر برده میشه. همی یک مقدارش توسط خود دست هم صورت می گیره. باز از اونجه که بردیم باز ماشین که تولید کرد، یک کارگر او ره می گیره در جای دیگر در ماشین دیگر میته. یعنی توسط کارگر کنترول میشه و کار ره ماشین می کنه.

ک: فروشاتتان به چی شکل اس؟ نرخ حد اوسط، شما بسته گکی می فروشید؟

QYPrivateKabul270818: ما به کیلو می خریم و به کیلو می فروشیم. ما همین خرید ما هم به کیلو اس و فروش ما هم به کیلو اس. دیگر، واحد خرید و فروش ما همین کیلو اس.

ک: یک کیلو ره باز چند می فروشید در بازار؟

QYPrivateKabul270818: نظر به وقت و زمانش فرق می کنه. چون در تغییر اس همیشه. نرخ ثابت نداره ای. هیچ وقت نرخ ثابت نداره. حتا از یک هفته تا دیگه هفته فرق می کنه. هر زمانش ره که شما بگویید باز همو زمان نرخش فرق می کنه.

ک: حد اوسطش مثلا؟

QYPrivateKabul270818: حد اوسطش 120 افغانی. مثلا 119 هم میشه، 121 هم میشه، 118 هم میشه، 122 هم میشه.

ک: برای تولیدتان برنامه ی تولیدی دارید، پیش تولید می کنید؟

QYPrivateKabul270818: ما دو نوع تولید داریم. یک نوع تولید داریم که ما در بازار سفارش داریم و می فهمیم که این جنس ما فرضا فروخته میشه، همین جنس ره تولید می کنیم. و یک رقم تولید دیگر داریم که سفارش [...] زیادش به سفارش اس.

گ: بیشتر به اساس سفارش اس پس؟

QYPrivateKabul270818: ها. ما تقریبا همراه بسیار کارخانه های زیاد، شاید در حدود 200 کارخانه ما [...] قرارداد خو نی، همی داد و ستد [قطع]

ک: قرارداد اعلام ناشده!

QYPrivateKabul270818: [بله] اعلام ناشده، غیر رسمی داریم، که ما به حساب محلی ما که میگیم بیپار ما اس یا مشتری ما اس. آنها توسط تلیفون فرمایش میتن که مثلا کدام سایزی که قبلا هم اینجه جور شده، همو ره میگن که باز به این اندازه برای ما جور کنید و وقتی که جور شد ما برایشان تهیه و روان می کنیم.

ک: شما به خاطر موجودیت همین تقاضا بوده که شرکت ره ایجاد کردید؟

QYPrivateKabul270818: نی نی. ابتدا ایجاد این کارخانه که بود، ما یک کارخانه ی تولیدی دیگر داریم به نام [نام شرکت] که او بخش نمک است. ولی او بدبختانه که او حالی از پای افتیده.

ک: دلیل؟

QYPrivateKabul270818: دلیلش این بود که رقابت ناسالم بین خود شرکت ها بود.

ک: شرکت های داخلی؟

QYPrivateKabul270818: بله ها. باز سر این می آییم. ولی او حالی فعلا از کار افتیده. ولی او در زمان خود بسیار در اوج کار خود بود. و ما برای بسته بندی او به پلاستیک ضرورت داشتیم. و این پلاستیک ره ما از پاکستان می آوردیم. در همین رساندن پلاستیک به شرکت ما کمبود رخ داد. باز ما به این فکر افتیدیم که ما یک جای دیگری در اختیار داریم، از این که پلاستیک ره از پاکستان بیاوریم بیا که همین ره همینجه تولید کنیم که هم برای خود ما شوه، مفاد پلاستیک ره بگیریم، و هم همین جایی که داریم از این هم استفاده توانسته باشیم. باز ما همین ماشینات این ره آوردیم، یک سال نتانستیم شروع کینم چون تجربه ی کاری نداشتیم. تقریبا دو سال بعد ما این ره فعال کردیم ولی بدبختانه این که سر پای شد، او کارخانه سقوط کرد.

ک: دلیل این کارخانه میتانه این باشه که با کارخانه های دیگر ارتباط داره؟

QYPrivateKabul270818: نی، ما خو از بسیار ابتدا شروع کردیم. ما در سال اول تاوان کردیم. در سال دوم هم تاوان کردیم. این طور تاوان کردیم که از سرمایه ی ما کم شد. در سال دوم هم کم شد. ولی یک تحول آمد. در همو تحول کارخانه ی ما رشد کرد. او تحول این بود که دولت تصمیم گرفت که واردات پلاستیک ره از خارج بند کرد.

ک: کاملا؟

QYPrivateKabul270818: کاملا بند کرد! چون بخش محیط زیست شکایت کرده بود که این پلاستیک مشکل زا است و این طور گپ ها. حالی هم این گپ ها اس ولی باز دولت تصمیم گرفت که حد اقل فعلا وارداتش ره بند کنه. چون در او زمان 98 درصد پلاستیک از خارج می آمد.

ک: این کدام سال بود؟

QYPrivateKabul270818: والله دقیق نمی فهمم. شاید یک 7 سال، 9 سال پیش بوده باشه. دیگه، واردات پلاستیک حالی هم بند اس. ولی قاچاق میایه خو ده افغانستان می فهمید که این رقم مشکلات زیاد اس. در گمرکات هم پیش پیسه هیچ چیزی هم نیس [اهمیت نداره]. همو چیز میایه همو برای ما هم ضرر اس و نقص اس. و یک مشکل کلان برای ما این اس که ما از وارد پلاستیک کدام مشکل نداریم که بیایه یا نبیایه، مشکل ما این اس که کشورهای همسایه سبسایدی می کنن جنس های خوده. در اینجه دولت خو ما ره سبسایدی نمی کنه که هیچ، ما ره زیر فشار هم قرار میته و مالیه ی دوچند و سه چند هم می گیره. شما اگر در کشور ایران و پاکستان بروید، هر جنسی که در داخل افغانستان صادر میشه باز به همین خاطر او نفر مستحق یک جایزه یا یک بخشش و پول اضافی از طرف دولت خود میشه. و همین کارخانه دار پاکستانی یا ایرانی هیچ مفاد هم نکنه، و اگر تنها همو پولی که به او تعلق گرفته ره مفاد حساب کنه، این آدم ما ره قادر اس ورشکست کنه.

ک: پس یک دلیل موفقیت تان همین بوده که واردتان پلاستیک بند شده؟

QYPrivateKabul270818: واردات پلاستیک در ابتدا بند شد ولی چون قاچاق می آمد نرخش بالا رفت. ما توانستیم که رُشد کنیم. این طور نبود که آنها از لحاظ کاری از ما پیش رفت. نی! آنها سبسایدی برایشان میته. آنجا برق هم خیلی ارزان اس، کارگر فنی هم ارزان اس. دولت برایش جایزه یا چیزی که برایش تعیین کرده، مثلا هر کسی که از مملکت جنس صادر کنه، در هر کانتینر این قدر پول برایش تعلق می گیره. و به خاطر تشویقی همو پول اینها صادرات به افغانستان داشتند و حالی هم دارند. همو جنس اینها از همین خاطر ارزان تمام میشه. ولی بدبختانه اینجه نی کسی از ما حمایت می کنه، نی پیش روی او ره می گیره. اگر چه دولت فعلا هم پیش روی آنها ره گرفته و در قانون اس که باید نباشه، ولی چون گمرکات فساد اس و آنها جنس خوده به نام پلاستیک نمی آورند به نام دیگر چیز می آورند، به نام بسته بندی و این و آن، و آنها خودشان هم می فهمند که این غلط اس. ولی راه جور میشه برایشان در گمرکات. پلاستیک ده داخل افغانستان می آیه و هم برای ما ضربه اس و هم دولت ضربه اس که مالیه نمیته. از ما خو هر طرف، معاش کارگر ما مالیه داره، کارخانه ی ما مالیه داره، صفایی داره، خو گمش کو، هزار رقم مالیه که اگر تو کل این ره حساب کنی، یک لست خیلی طولانی اس این.

ک: گفتید که یک پلان کاری در هر حال دارید اینجه. به اساس یک پلان اگر تولید کنید حد اکثر ظرفیت تولیدتان چقدر است؟

QYPrivateKabul270818: ما خو ظرفیت تولید ما بالا است. ما خو در یک روز میتانیم تا 7 تُن هم تولید کنیم. ولی ماشین های ما اکثریتش بند اس. ما فعلا از 500 کیلو نهایتش فعلا زیاد تولید نمی کنیم. ما 7 تُن هم تولید میتانیم ولی حالی فعلا 500 کیلو زیاد تولید نمی کنیم.

ک: آیا زمانی بوده که دراین چندین سال فعالیت شما به حد اکثر ظرفیت تولیدتان دست یافته باشید؟

QYPrivateKabul270818: نی نی!

ک: از همین 500 کیلو هیچ اضافه تولید نتانستید؟

QYPrivateKabul270818: شده، یک تُن هم کردیم، دو تُن هم شده. یک فرمایش عاجل آمده مثلا و ما ماشین ها ره چالان کرده ایم برای او. اما حد اوسط ره اگر بگیریم 500 کیلو همو حد اوسطش میایه. این طور روزی هم شده که 200 کیلو هم شده و روزی هم شده که زیادتر هم شده از 500 کیلو. ولی اوسط همو 500 کیلو است، در روزی و در تابستان. در زمستان ها کمتر میباشه.

ک: با وجود این که واردات پلاستیک هم بند شده؟

QYPrivateKabul270818: چون او بخشی ره که تولید می کنیم او از واردات نمی آیه. اونها بخش عام ره می گیرند، همو چیزی که عام در بازار فروش میشه. ولی او فابریکه ی که یک سه، چهار صد کیلو یک خاص پلاستیک کار داره، اینها ره این فابریکه ها نمیتانن از بیرون از کشور تهیه کنن. تا که از ایران یا پاکستان میایه بسیار وقت می گیره. اینجه فابریکه ی ما آسان اس دسترسی و نزدیک اس. دیگه، حالی از طریق پاکستان و از طریق ایران خیلی پلاستیک میایه او [و] ضرر هم اس برای ما. بازار ره هم خراب کرده. مشکلات ما زیادتر از همین ناحیه اس.

ک: برای ایجاد شرکت در اوایل، سرمایه ی که نیاز بود، به شکل قرضه از بانک گرفته اید [قطع]

QYPrivateKabul270818: نی، ما نه قرضه از بانک گرفته ایم [...] ما همین کار ما نسبتی بوده. نسبتی به این معنا که ما از یک چیزی بسیار خُرد شروع کردیم. ما همو اول، بخش پلاستیک ره که فعال کردیم از سرمایه ی خود، یک کسی دیگر ره هم شریک کردیم و او پول داد و به پول او ما همین جایه جور کردیم، همین ماشین ها ره. و آهسته آهسته پیشرفت کردیم. به مرور زمان وقتی که یک کمی مفاد کردیم باز گرفتیم یک قسمت یک چیزی ره خریدیم، همین طور آهسته آهسته تا همین مرحله رسیدیم.

ک: در جریان سال های که فعال بودید هم نیاز نشده که از یک جایی قرضه بگیرید یا؟

QYPrivateKabul270818: نی، قرضه خو می گرفتیم، در او وقت هم می گرفتیم. ما یک جای یک موسسه امریکایی بود برای ما قرضه داد، 80 هزار دالر قرضه برای ما داد و او قرضه هم پاس [منظور] شد. مه خودم رفتم در اونجه یک جای بود یک مصاحبه کتی ما کردند، آنها هم هشتاد سوال داشتند [اشاره به تعداد سوال های مصاحبه کننده!]. در هشتاد سوال باید حد اقل شصت سواله خوب جواب میدادی، مستحق قرضه میشدی. خو ما جوابشه که همو عانا دادیم، همو عانا مستحق هم اعلان شدیم. در غیر او، پروسیجر بانک این رقم نیس معمولا. بانک یک پروسس داره معمولا. مه که در این موسسه رفتم، مه ره شاند و بررسی کردند و برایم گفتند که تو مستحق قرضه شدی. تو از همین حالی میتانی که همو قرضه ات ره برداشت کنی ولی مشکل داشت. مشکل این که همین سهمدارها، کس های که کتی ما همینجه اس اینها قرضه ی بانکی که به سود باشه ره نمی خواهند. ولو که یک فیصد هم باشه. اگر نی او قرضه بسیار قرضه ی سه ساله بود و تکتانه [interest] هم 2 فیصد بود. یک قرضه ی بسیار آسان بود. ولی سهمدارها نخواستند. به خاطر این که گفتند باید یک رقمی شوه که به طریقه ی اسلامی باشه، در چارچوکاتِ قانون های که شرعی باشه، قابل قبول اس. او معنا نداره که تکتانه 2 فیصد باشه یا 10 فیصد باشه ولی در چارچوکات باید باشه. به همو خطار او قرضه پاس شد و ما پس رد کردیم، نگرفتیم. اگر نی در او وقت به پول زیاد، اشد ضرورت بود، داشتیم. نشد دیگه. قسمت ما نبود دیگه.

ک: بانک امریکایی بود؟

QYPrivateKabul270818: یک موسسه بود به فکرم. ها، موسسه بود که قرضه میداد. نی لوحه داشت نی دیگه. در کنار یک جاده دفتر داشت، در همی چهارراهی انصاری یک جایی بود. پیشروی تلویزیون خصوصی [نامفهوم]. حالی شاید باشه شاید نباشه نمی فهمم.

ک: حالی فعلا در مجموع ارزش دارایی های غیر قابل انتقال، از تعمیر گرفته تا ماشین الات تا ذخیره ی مواد خام چی اندازه تخمین می زنید؟

QYPrivateKabul270818: ‌ما همین خود ما هم که هستیم، همین مواد خام خوده ما از دیگر تجار می گیریم. او یک سیستم در اینجه اس به نانمِ اوگرایی. اوگرایی به این معنا اس که وقتی که آنها به ما دانه ی پلاستیک [مواد خام تولید پلاستیک که به شکل دانه پیدا میشه] میتن باز ما وقتی که دانه ی پلاستیک ره می گیریم هر وقتی که او ره فروختیم باز به آنها پول میتیم. چون سرمایه ی ما در او قسمت، یکی از عوامل پیشرفت ما هم همین بوده. ما در بخش تهیه ی مواد خام بسیار مشکل داشتیم، پیسه نداشتیم، سرمایه نداشتیم. و ماند تعمیر دیگه، این جایداد خو از خود ما است. ما ارزشش ره نمی فهمیم که برای فورش چقدر ارزش داره. ولی خود ما جای ما در حدود یک لک دالر برای ما تمام شده.

ک: به شمول ماشین آلات؟

QYPrivateKabul270818: به شمول ماشین آلات و کلگیش. در او زمان ما 48 لک کلدار در این مصرف کردیم، زمینش ره به 20-25 هزار دالر خریدیم. همین قدر پول.

ک: معاش کارگرهای دایمی باز چند است؟

QYPrivateKabul270818: معاش ها فرق می کنه. 3 هزار، 4 هزار، 6، 7، 12 [...] نظر به اینست که او چقدر کار یاد داره. چقدر سابقه داره.

ک: فیصدی اش معلوم اس که چی تعداد کس هایی 3 هزار می گیرن و چه تعداد 4 هزار می گیرند.

QYPrivateKabul270818: ها او خو معلوم اس اما فیصدیش دقیق یادم نیس که چقدرش اس.

ک: روزمزد باز چند اس؟

QYPrivateKabul270818: روزمزد 350 افغانی اس. باز همو اگر یک روز کار داشته باشیم 350 افغانی میتیم اگر دو روز، 700 برش میتیم. اگر کار خلاص شد باز جواب میتیم.

ک: نوعیت استخدامشان به چی شکل است، شما کارگرها ره می شناسید؟

QYPrivateKabul270818: ها، یکی خو کارگرها ره می گیریم به اساس شناخت می گیریم. چرا که کارگری ره که تو نشناسی، غیر از این که او کار می کنه یا نمی کنه، مشکل برایت پیدا می کنه. هزار گپ دیگر اس.

ک: پس یک کسی ره می شناسید که رابط اس بین شما و کارگر و برایش میگین که به این تعداد نفر کار دارم و برایتان پیدا می کنه؟

QYPrivateKabul270818: ها. و همی کارگرهای که اینجه اس اینها به ضمانت خود میرن یک نفر ره میارن و نفر ره که اول گرفته ایم، همین ها او ره آورده اند. چون هزار رقم گپ اس اینجه. یک نفر ره تو میاری استخدام می کنی، صبا هزار گپ دیگر میشه. مسایل امنیتی و گپ ها اس. حالی ما در همین شرکت های خود این طور وقت ها هم بوده که همی دولت آمده یک شرکت ره محاصره کرده و پشت یک نفر گشته. دیگه، حالی این طور گپ ها هم اس.

ک: به خاطر...!

QYPrivateKabul270818: مسیال تروریستی و این گپ ها. حالی به خاطر این طور گپ ها، امروز روزی در افغانستان آمده که سر برادر خود کسی اعتبار نمی تانه. به خدا باور کنید که همین رقم اس. بسیار شرایطی اس که باید بسیار به احتیاط پیش بری. هزار گپ اس. یک نفر می آیه سوء استفاده می کنه. تو ده کار و غریبی خود هستی، نمی فهمی که هزار گپ دیگه اس. یکی مسایل [...] دیگه مسایل هم اس، جنایی، چرس و این گپ ها. این طور نفرها هم نباید باشه چون محل کار اس. باز این رقم آدم ها هم نمی کنن اکثریت، این طور آدم ها کار هم نمی کنن، کسی که در این چیزها آغشته باشند. و یک چیز دیگر ره برایتان بگویم که کارگرهای افغانستان او قدر پابند کار و اصول هم نیستند. چون ما حق نداریم کارگر پاکستانی و چیزها داشته باشیم. اگر نی آنها باز بسیار پابند هستند. بسیار زیاد. ده تایم خود ده کار میاین، ده تایم خود تعطیل می کنن. به همو وقت و زمان خود همو تقاضایی به همو اندازه ی خود می کنن. اینها هم کار درست نمی کنن، هم تقاضایشان بسیار زیاد اس.

ک: شما گفتید که حق ندارید کارگر پاکستانی استخدام کنید، دولت ممانعت ایجاد می کنه؟

QYPrivateKabul270818: خو [...] مشکل اس، مسأله ی ویزه اس، مسأله ی [...] یا آنها دل نمی گیرند [جرأت نمی کنند] در راه ها که می آیند [...] ما کارگرهای اول ما که بود پاکستانی بود. اولین کس هایی که ما آوردیم شروع کردند کار ره، چهار نفر پاکستانی بودند. باز بالآخره خوبی اش این بود که همی افغانی ها ره تربیه کردند. باز همی دوتایش رفت و دوتایش ماند و ما به اینها گفتیم که ما همی معاش اضافه ره برت میتیم خو یک کار کو که، چون مه می فهمیم که شما هم میرین یک وقت، همی نفرهای ما ره یک کمی [...]

ک‌: آنها چند معاش می گرفتند؟

QYPrivateKabul270818: آنها به کلدار می گرفتند. 30، 30 هزار می گرفتند. که در او وقت 20 هزار، 25 هزار افغانی میشد. زیاد می گرفتند. خو آنها اوستاذکار بودند، ملک خوده هم ایلا کرده بودند و مسافر هم بودند [باید معاش زیاد می گرفتند]. باز در همی راه که می آمدند زیاد مشکلات بود، در همی تورخم و این قسمت ها. اینجه مشکلات بود باز آخر دلشان ره زد دیگه.

ک: باز شرکت شامل کدام اتحادیه ی صنعتی هم است؟

QYPrivateKabul270818: ما خو همی یک اتحادیه ما خود ما در همینجه داریم که اتحادیه ی همین جمعِ 36 کارخانه اس. و صنعتکارها عموم ما دفترش در [نامفهوم] عضوء اتاق های تجارت هم ما هستیم.

ک: عضویت در اتحادیه ای که در اینجه دارید یا اتاق های تجارت، کدام نقشی داشته در قسمت حجم تولیدتان، دسترسی به مواد خام؟ به غیر کارهای حمایوی؟

QYPrivateKabul270818: والله اتاق های تجارت یک دو دفعه که مشکل داشتیم و رفتیم، مشکل ما ره حل کرده، ها خوب اس، مشوره اگه اس حد اقل برایت میته، خوب اس. مثلا اگر یک مشکل برایت پیش بیایه و کتی یک آدم مشوره کنی که ازت حمایت کنه. همی حالی یک کانتینر مواد ما اس ده ایران بند اس. حالی مشکل برای ما پیدا شده و ما مجبور هستیم که کسی از ما حمایت کنه که همو ره از آنها بکشیم. خو دولت ایران یک قانونه کشیده که مواد خامه نمیمانه که صادر شوه، جنس پخته ره می خواهه که صادر کنه. حالی این خو سرچپه شده نی، کارخانه ی افغانستان [از این لحاظ] باید کلگی سقوط کنه و از بین بره. به خاطر حل این گونه مشکلات باید یک نفر باشه. اتاق های تجارت خوبتر اس [موجودیتش] یک ذره کار می کنه. همین گپ ما ره شنیده [حد اقل].

ک: اتحادیه ی که اینجا است چی؟

QYPrivateKabul270818: خو اتحادیه ی ما خو، همین قدر اس که، کدام جنبه ی اجرایی و صلاحیت نداره اما همو گپ ما ره که یک جایی برسانه و یک دو نفر جمع شوه، خوبتر اس. ولی ما مشکلات داخلی خوده ده بین اتحادیه حل می کنیم. او قدر در بیرون کدام نقشی نداره.

ک: چند سال اس که شرکت فعال است؟

QYPrivateKabul270818: والله شاید هشت سال، نُه سال شوه.

ک: در وقت فراغت چی کارهایی می کردید و حالی چگونه وقتی فراغت اگر پیدا می کنید آن را سپری می کنید؟

QYPrivateKabul270818: ما خو اگر راست پرسان کنی صنعتکار هستیم و بسیار وقت میشه. مه 20 سال اس که کارخانه دارم. از زمان طالب ها ما داشتیم. ما بسیار کوچک بودیم. ما از زمانی که جنگ های داخلی بود و از او زمان باز رفتیم به ایران، اینجه خانه ها خراب شد و دیگه و دیگه، باز یک بخش در پاکستان در همین بخش نمک کار کردیم. خودم کارگر یک کارخانه بودیم. چون شرایط همو زمان همی ره ایجاب می کرد. باز همینجه که کار کردم و کار کردم همین بخش ره یاد گرفتیم ده پاکستان. باز آمدیم همین طور یک کارخانه کوچک در باغ قاضی جور کردیم و همونجه کاره شروع کردیم و تقریبا زمانی که طالب ها در کابل حکومت داشت، ما کلش در همینجه کار ره پیش می بردیم. باز یک، وقتی که طالب ها سقوط کرد و دیگه دولت نو آمد، باز یک تحول آمد در نمک که موسسه ی یونیسف باز همی کارخانه ی کوچک ره جمع کرد و برای ما یک کارخانه ی بسیار کلان برای ما داد. باز این ره برای ما داد، مفت، آیودین هم برای ما داد و گفت که یک شرط داره که نمک آیودین دار جور کنین به مردم بتین. اگر چه او نمک هم که ما هم جور می کردیم آیودین دار بود خو این می خواست که ستندرد خوبتر [مزاحمت] دیگه باز قسمت و آهسته آهسته همی کارخانه داری ما به قالب فابریکه آمد. دیگه، والله او قدر تغییرِ خاصی در عادت ها رخ نداده، همو چیزی که سابق بود همو چیز اس. ما خو هیچ کدام فرق اساسی ره نمی بینیم.

ک: یک بار ازدواج یا چند بار؟

QYPrivateKabul270818: یک بار.

ک: کتاب هم می خوانید؟

QYPrivateKabul270818: او وقت زیاد می خواندیم حالی نی والله. حالی زیادتر تلویزیون تماشا می کنیم. او وقت که تلویزیون نبود کلش کتاب بود [خنده].

ک: موسیقی هم گوش می کنید؟

QYPrivateKabul270818: ها.

ک: چی نوع، ایرانی، افغانی، هندی؟

QYPrivateKabul270818: والله ایرانی خو نی خوشما نمی آیه، همی هندی زیادتر خوشما میایه. افغانی هم باد نیس.

ک: در اجتماعی که زندگی می کنید تصویر شما و تصویری که شما فکر می کنید مردم از موقعیت مالی تان داره چیست؟

QYPrivateKabul270818: نی، اگر واقعیت واقعیت ره پرسان کنی، ما طبقه ی متوسط هستیم. صنعتکار پولدار نیست. بسیار کم شاید باشه. بسیار یک درصدی کمش. هیچ صنعتکار پولدار نیس. یکی بخش تجارت اس. یکی بخش صنعت. صنعتکارهای پولدار نیستند. ما از همو طبقه ی متوسط هستیم، همو بخور و نمیر خوده داریم. نی اضافه اس و نی کم اس. همو [...] ولی در مجموع، هر صنعتکاری ره که شما برین ببینین صنعتکارها پولدار نیستن. او پولدارهای که موترهای ضد ذره داشته باشه و تعقیبی و این و آن. اس اما بسیار کم. اگر فیصدی بگیریم شاید سه فیصد هم نشه. ولی 97 فیصدش طوریست که خودشان کارکن هستند، خودشان زحمت کش هستند، خودشان هستند در همینجه در کارخانه. هیچ این طور، گفتنِ عام که، رییس باشند و در کار فابریکه مداخله نکنند و خوده بالا بگیرند، این طور گپ ها نیست. نه تنها ما نیستیم که ما از کس هایی که شناخت داریم آنها هم نیستند. اگر کاری شوه که مثلا [مزاحمت] ولی بعضی مردم میگن که "والله فابریکه اس" و این طور و آن طور [مردم عام میگن که مه فابریکه دارم و شاید پولدار باشم]. اما نیست این طور، اکثریت مردمی که همی برداشت ره دارند که شاید این پولدار و ته و بالا باشه، اما کس هایی نزدیک دوست ما اس و کتی ما رفت و آمد دارند، می فهمند که اینها در کتگوری از او آدم ها [پولدارها] نیستند. شاید باور نشه، تعجب شاید کنی، شاید حتا قبول نکنی که خود ما در خانه ی کرایی زندگی می کنیم. ما یک خانه داشتیم او خانه ره فروختیم ولی ما برادرها زیاد بودیم پولش ره تقسیم کردیم او پولی که تقسیم مه رسید یکی از اعضای فامیلم مریض شد، او ره مه به هندوستان بردم در او زیاد پول مصرف شد. پول هم مصرف شد و یک چیزی که سرمایه ما به خود جور کرده بودیم او هم رفت. همی حالی ما خود ما در خانه ی کرایی زندگی می کنیم. کرایه میتیم. اگر یک نفر ره بگویی شاید قبول نکنه. ولی این چیزها اس. یک کسی دیگری ره مه اینجه می شناسم که اینجه فابریکه داره ولی خودشان در خانه ی کرایی زندگی می کنن. خانه نداره. دیگه، این چیزها اس. صنعت جای پیسه پیدا کردن و مفاد نیس. کسی که می خواهه فایده کنه ده اوغانستان صنعت جایش نیس. چون اینجه صنعت، اینجه یک جایی اس که [...] تجارت، باش برایت تجارت ره تعریف کنم. یک کسی تجارت می کنه میره یک چیزی ره وارد می کنه و صادر می کنه. تو، حالی این روزها چین زیاد رواج اس، چین میری یک چیزی میاری، همین ریموت ره آوردی مثلا اما نقص کردی و نصرفید. تاوان کردی. 70-80 درصد پولته پس به دست آوردی، با آن که 20 درصد تاوان کردی. باز میری دیگه این کار ره نمی کنی. ولی در صنعت این انتخاب ره نداری. یا مکمل غرق میشی از بین میری. یا این است که در همو می سوزی. ما همینش ره انتخاب کردیم و همی ره می سازیم. چون ماشین هایی ره که ما خریده ایم، این ره کس در بازار ببریم، اگر ما سرش یک لک دالر داده ایم، مردم این ره به یک هزار دالر هم نمی خره. چون به درد نمی خوره! ای موتر خو نیس که یک آدم سوار شوه این سو و او سو بگرده. آیین اس و همو کباری، کسی که آیین می خره، آیین هایشه سیل می کنه که به دردش می خوره. دیگه، انتخاب دوم در صنعت نیس [باید ادامه بدهی].

ک: شما بررغم همه نقاط منفی صنعت چرا آمدید در صنعت سرمایه گذاری کردید؟

QYPrivateKabul270818: والله واقعیتش مه خودم شوق دارم ده همی. اگه مه راستی بگویم برایت که اگه یک معجزه شوه و برای مه 20 میلیون دالر پیدا شوه، مثلا فرضی فرض کنیم، یک کسی بیایه، یک موسسه بیایه بگویه که یک 20 میلیون دالر ره بگیر برو کلان کلان خرج کو. مه کلشه در صنعت میزنم. یک روپیه اش ره هم خرج نمی کنم. مه خوشم می آیه، شوقم اس!

ک: از چی وقت شکل گرفت این علاقمندی؟

QYPrivateKabul270818: از همو زمانی که مه خودم اولین کارخانه ره جور کردم بسیار به همو شوق و علاقه این ره جور کردم و از کار کردن و از مفاد یک روپیه اش که مه فایده کنم بسیار لذت میبرم وبسیار خوشم می آیه. و همی است که تا به حال پُشت همی ایستاد شدیم. الحمدالله خوب اس.

ک: تحصیلات تان در چی حد است؟

QYPrivateKabul270818: مه والله تحصیلات زیاد نکردیم. مه تقریبا تا صنف 12 درس خواندیم. در او زمانیکه ما [جوان] بودیم اوضاع افغانستان گد و ود شد و مهاجرت ها و گپ ها شد. خو او زمان زمان درس نبود. همو کس های که از چارچوکات افغانستان اروپا و آنجاها رفتند آنها خواندند. ولی مایی که در چارچوکات ماندیم، ما ماندیم از درس. دیگه، درس هاییکه ما زیادتر بخوانیم نتانستیم. همو تا صنف 12 ره خواندیم.

ک: در کدام نقطه ی شهر زندگی می کنید فعلا؟

QYPrivateKabul270818: ما در همی کارته ی نو هستیم.

ک: از برکت درآمد شرکت توانسته اید به جای خوبتری کوچ کنید؟

QYPrivateKabul270818: نی نتانستیم.

ک: اطفال مکتب دولتی می روند یا خصوصی؟

QYPrivateKabul270818: از مه دو بچیم اس، یکیش ده دولتی میره، یکیش ده خصوصی میره.

ک: برای ایجاد شرکت در همان اوایل، طبعا یک نفر به تنهایی قادر به ایجاد یک شرکت نیس، کی ها برایتان کمک رساندن: اعضای فامیل، دوست ها، اعضای جامعه، اعضای قوم و محل زندگی، هم در شکل معلومات و هم در شکل پول؟

QYPrivateKabul270818: ما خود گفتیم که ما در ابتدا از یک نقطه ی بسیار کم شروع کردیم. همین مزدی که ما در پاکستان می گرفتیم [...] ما از همو ابتدا ره میگیم. باز همو مزد خوده ما جمع کردیم. مثلا یک مقدارش ره، مثلا ما 20 هزار کلدار ماهانه درآمد داشتیم، 15 اش ره خرج کردیم، 5 اش ره پس انداز کردیم. باز این ره یک کارخانه ی بسیار کوچک ساختیم. ولی او ارتباطاتی که ما با او داشتیم، بعضی کس هایی با ما تعهد کردند که اگر تو همی کار ره شروع کنی ما همی مواد خام ره به تو قرضه میتیم. ولی ما نی ازکسی قرض گرفتیم نی کسی ما ره حمایت کرده. تشویق کرده اند. دیگه، ماند قضیه شرکتی که تا به اینجه رسانده ایم، این شرکت ما که است در اینجه ما شش نفر هستیم. شش نفر شریک هستیم. این شش نفر شریک ما هم که اس، یک تایش هم پیسه دار نیس. ولی تصادفی اس که در او زمان ما کلِ ما نمک فروش ها بودیم. یا نمک سازها بودیم، یا تولید کننده ی نمک. ما شش نفر وقتی که یکجای شدیم، همو پول کم کمی که برای خود سرمایه داشتیم، این ره جمع کردیم و این ره ساختیم.

ک: درست. پس در اول همگی مساویانه هم کار می کردید و هم [...]

QYPrivateKabul270818: ها. ما حتا در ابتدا کارهای که مربوط اداری میشد و کارهای که مربوط دیگه میشه خود شریک ها پیش می برد که شرکت رو به رشد شوه. اینه ما حتا کارگر ره هم به آسانی استخدام نمی کردیم. این یک شرکت سهامی اگه بگوییم هم میشه چون شش نفر در این سهم گرفته. دیگه تا چهار، پنج سال پیش هم او شش نفر [...] حالی هم همین شش نفر همینجه در بنیاد ای شرکت هستند ولی مسولیت کاری اش مربوط مه اس چون در بدل یک مقدار پول مه کار اداری این ره مه پیش می برم.

ک: فعلا توانسته اید وسایل نقلیه یتان ره خوبتر بسازید؟

QYPrivateKabul270818: نی همو یک دانه موتر دارم که همو کورولای عادی اس که او ره هر کس داره. همو وقت و زمانش هم که، زمان طالب ها موتر رواج نبود، و ده زمان کرزی هم یک موترک داشتیم همو موترک ما است. یگان وقت تبدیلش می کنیم مگم همو موتر اس.

ک: حج هم رفته اید؟

QYPrivateKabul270818: نی. نی. خدا نصیب کنه امشاالله که پلان اس.

ک: سفر تفریحی اگر بروید جایی کجا می روید؟

QYPrivateKabul270818: داخل یا خارج؟ خارج والله تفریحی نرفتیم. دل داشتم یک وقتی که بروم دبی ولی نشد که نشد. ما اصلا مردم هایی هستیم که میخاستیم اگه همونجه تفریح بریم یک کار هم باید بکنیم. ولی او کار نشد. او کار نشد باز ما خو ده پلان کاری ما خو این طور نبود [...] ما ده او کتگوری نیستیم که تفریح خارجی برویم. ما باید یک کاره می کردیم که حد اقل [در ضمن] یک تفریح ما هم میشد. ولی او کار نشد. ما به یک کس می خواستیم که یک جنسه بخریم که او یک جنبه ی کاری پیدا کنه. ولی او کار نشد و یک کسی همراه ما وعده کرد و باز انتظار و انتظار وبالآخره نشد و ما هم از او صرف نظر کردیم.

ک: یک تصویری از دوست ها؟

QYPrivateKabul270818: والله همی دوست ها کس های که کتی ما اس، خانوادگی نی بلکه دوست، زیادترش کار و باری اس، یا دکاندار اس، یا صنعتکار اس. ده همی کتگوری هستند.

ک: بیشترشان صنعتکار هستند؟

QYPrivateKabul270818: صنعتکار هستند بله.

ک: در جریان چند سالی که شما فعال بوده اید، مسایل امنیتی در سطح کشور طبعا همه ره متضرر میسازه، اما به چی شکلی مستقیم بالای حجم تولید شما تأثیرگذار بوده؟ یا کدام سالی بوده که قبل از او کارهایتان خوبتر بوده و بعد از او رو به خرابی یا خوبی رفته؟

QYPrivateKabul270818: نی ما این طور چیزی ره احساس نکرده ایم. تأثیرش مقطعی است. مقطعی بوده. مثلا اگر در شهر کابل یک انفجاریا چیزی شوه برای یک سه، چهار روزی دکاندرها جنس نمی برند. ولی او حل میشه بالآخره. هر روز هم این طور نیس که انفجار و انتحار شوه. همی صنعت ما و شما که اس در کل افغانستان، در بخش صنعت و تولید و فابریکه و تجارت، یکی خو همی امنیت عمومی افغانستان اس، این او قدر تأثیر نداره. این خو عمومی اس. اینها زیادتر از امنیت جنایی می ترسند. چون مسأله ی اختتاف و مسأله ی [...] کس های ره که ما می شناسیم و همرایشان رفت و آمد داریم، نگرانی شان همین چیز اس. حتا ما بعضی دوست های خوده دیده ایم که در همی مشکل برخورده اند و رفته اند و میترسند، همی گپ ها. مسایل جنایی بیشتر اس تا مسایل امنیتی و گپ های جنگ که مثلا در کشور ما اس، مسأله ی انتحاری و بمب و این گپ ها. او قدر [...] چون این حوادث کل مردم ره در بر می گیره و او آنقدر مشخص نیس و این طور معلوم هم نیس که او در کجا اس. او یک چیزی اس که سر او نمیتانی که چرت بزنی تو، که امروز در پل محمود خان انفجار میشه، امروز در کارته نو میشه، امروز در پل چرخی میشه! ای معلوم نیس. شاید هم نشه، شاید دو ماه نشه، شاید هم شوه.

ک: این سوال ره به خاطری کردم که بیشتر تقاضا قبل از سال 2014 بیشتر بوده و وضع اقتصادی بهتر بوده. باز آهسته آهسته چون سطح مالی مردم پایین آمده خرید هم کم شده.

QYPrivateKabul270818: نی. ما ده او کتگوری نیستیم. او کس هایی بودند که قراردادی ها بودند که به دولت و با موسسات قرارداد داشتند و حتا بعد از سال 2014 کار ما خوبتر شده. به خاطر این که آنها خو، او پول های بادآورده و هوایی و [...] اصلا اقتصاد افغانستان امروز صحیح اس. او وقت غلط بود. او پولی بود که پول، مثل این می ماند که آدم یک مقدار پول ره بگیره و در هوا همی رقم بزنه و هر کس چور کنه و این ره نامشه اقتصاد بمانن! این کار غلط اس. ده او پولی که زحمت کشیده نشه، ده او پولی که مردم کار نکنه و عرق نریزه او پول پولِ درست و صحیح نیس. به خاطری که او پول خیرات اس، در او زحمت کشیده نشده. او پول فساد بار میاره. ده همو زمان هم آورد. حالی هم میاره. هر وقت پولی که بی تول [به حسابدهی] باشه از تولید نباشه از عرق جبین یک کارگر نباشه، صحیح نیس. و او بقا هم نداره، پس رفته کلش، به امریکا رفته و به همو جاهایی که [...] می بینی که مملکت ما پس گشنه مانده. همو ره اگه یک بند برق می ساختند، یک فابریکه های کلان کلان جور می کردند، امروز ما در این وضع نبودیم، شاید خوبتر می بودیم. ولی او پول های بادآورده بود و مثلا قرارداد یک سرکی که یک لک دالر ارزش نداشت، به میلیون ها دالر بود. چون پول هوایی بود. کس سرش زحمت نکشیده بود و میدادند و او اکثریت همو کس های قرارداد و این چیزها ره می گرفت مافیا بودند و قدرتمندهای دولتی بودند. او به عام مردم هم نمی رسید که به هر کس برسه. اونها خیری یک کمی چون اقتصاد یک رشته اس و یک سلسله داره [...] حتا همی یک بخش دیگر ره برت بگویم، در افغانستان مسأله ی مواد مخدر و تریاک و این گپ ها هم اس. همی هم جزء اقتصاد افغانستان اس. اگه همو ره پس کنی سر اقتصاد افغانستان تأثیر داره. چون درآمد افغانستان همو اس. او پیسه [پیسه ی امدادی از کشورهای غربی] هم که می آمد در همی مردم حتما تأثیر داشت. ولی برای یک عده خیلی زیاد دیگه، خوب تأثیراتش خوب بود. یک کم کمش به غریب هم میرسید. چون همو کسی که پولدار بود می آمد زیادتر خرچ می کرد. حالی نمی کنه خرچ. ولی اقتصاد در این نیست. بهترین اقتصاد در حالی اس. همی اقتصادی که از بنیاد خود مردمش کار کنند.

ک: از لحاظ ارقامی چی رقم مثلا، شما گفتید که حجم تولیداتتان بهتر شده؟

QYPrivateKabul270818: ها خوبتر شده. از 2014 به بعد ما بیلانسی که به دولت میتیم فرق داره، کم بوده زیادتر شده.

ک: یعنی همو 500 کیلویی که در او وقت [...]

QYPrivateKabul270818: نی او وقت 500 هم نبود، 200 بوده مثلا. حالی مشکلات ها در مملکت [...] حالی ایران [...] ما حتا پلان گرفته بودیم که به یک هزار تبدیل کنیم. چون دولت ایران مواد خام ره صادراتش ره به افغانستان بند کرد. حالی ما با مشکلات مواد اولیه برخوردیم.

ک: در همین یک بخش ایران بند کرده یا ده تمامی بخش ها؟

QYPrivateKabul270818: والله فعلا دولت ایران گفته که مواد خام در هر بخش باید بند شوه. چرا که آنها خودش زیر تحریم اس. آنها بهانه همی ره می کنند. و مواد خام هم زیادتر از همینجه می آیه، از مملکت های عربی ما در غیر او باید بیاوریم که برای ما نمی صرفه، دور اس. دیگه، ما همو بخش خوده میگیم. شاید به دیگر مردم ها هم ضرر رسانده باشه.

ک: تصمیم گیری در شرکت به چی اساس گرفته میشه؟

QYPrivateKabul270818: ما یک بورد داریم. یک بورد مشورتی داریم.

ک: چند عضو داره بورد؟

QYPrivateKabul270818: ‌وقتی که مشکل پیش بیایه! وقت نداره.

ک: چند عضو داره باز.

QYPrivateKabul270818: مثلا حد اقلش سه ماه. همو اعضا و نفرها یک بورد داره [داریم]. مثلا مشکلی اگه پیش [...] مثلا مشکل پیش شوه مه برایشان زنگ می زنم که بیایین یک مشکل آمده. مثلا همی مشکل ره بیایید ما و شما حل کنیم. در سطح کلان اگه باشه.

ک: منظورم این بود که چند عضو داره بورد؟

QYPrivateKabul270818: همو شش نفر.

ک: تصمیم نهایی باز در دست کی اس؟

QYPrivateKabul270818: همو بورد می گیره. اکثریت هر چی که فیصله کرد. رأی گیری میشه، میگن که ما دیگه از ایران جنس نمی خریم [فرضا] و چون اونجه گپ زده میشه [بحث میشه] و میگن که ما و شما میریم از یک جای دیگر می خریم، دیگه، اونجه تصمیم گرفته میشه. یا این که مثلا شیوه ی کار خوده تغییر میتیم. کارهای کلان کلانه آنها تصمیم می گیرند. ولی خُرد ره چون مدیر اجرایی شرکت مه خودم هستم، همو کارهای روزانه ره مه خودم ترتیب و تنظیم می کنم.

ک: برای کارگرهای برعلاوه ی معاش؟

QYPrivateKabul270818: او طور کدام چیزی خاص نداریم یک کلینیک داریم که رایگان اس. ما برایش استعلام میتیم و تقریبا تداوی شان هم مفت اس ده همو کلینیک. و یگان عید میدی که بیایه یگان عیدی که از وسع شرکت شوه، یک هزار یا پنج صدی برایشان [...]

ک: نان و جای بود و باش؟

QYPrivateKabul270818: نان خو برایشان میتم! جای برای کسی که شو پا میباشه و خانه اش در کابل نیس برای او سه وقت نان و جای بود و باش شو اس.

ک: آنها شامل کدام اتحادیه میشن؟

QYPrivateKabul270818: شامل اتحادیه نیستند اما همو اتحادیه ی کارگری اینجا آمدند یک دفعه. همو اتحادیه ی کارگری وعده کرده که یک چند نفر ره عضو می گیره.

ک: آیا او کدام نقشی خواهد داشت، مثلا آموزش بدهند کارگرها ره یا تأثیرگذاریشان در چی شکلی خواهد بود، اتحادیه چی کمکی خواهد کرد؟

QYPrivateKabul270818: مه که سیل می کنیم هیچ کمکی نمیتانه! مه خو چیزی ره که ده او اتحادیه دیدم، اتحادیه دفاع از حقوق کارگرها می کنه [به زعم شان] ولی دفاع از حقوق کارگر ره مه نمی فهمم که چی رقم می کنه، او کار خودشان اس. خو حالی آمده بودند که ما اینجه [...] خو همو یک روز دارند به نام روز کارگر که چند ثور اس و آمد سر ما یک شعاره نوشته کرد که همی حقوق شان اس [خنده]. خو خیر، او چیزها در افغانستان نیس، نو اس. افغانستان کشور جنگ زده اس. او چیزها در اینجه رواج نیس. ولی در دیگر دنیا کارگرها هم حقوق داره، همو حق و حقوق هر کس معلوم اس. همی قدر که اینها مظلوم شده اند، سرمایه دارها یا صنعتکارها، یک کسی که آمر اینها اس، آنها هم ضرر کرده اند. چون در خارج اگر یک نفر حقوق می گیره، امتیازات داره، مثلا، باز همو قدر یک جای پابند هم اس، ده زیر مسولیت هم اس، ده یک جای تعهد داره. باز بالای همو تعهد خود ایستاد هم میشه. مثلا غیر حاضری نمی کنه. اینها [کارگرهای ما] اگر دلشان شد می آیند اگر دلشان شد نمی آیند. اگر یک چیزی بالایش قرارداد میشه به پای قرارداد باید ایستاد شوی و در هر صورت همو کارته باید پیش ببره. یک روز که کتی ات کار کرد اما فهمید که یک جای دیگه کار خوبتر پیدا می کنه یک جای دیگه میره مثلا. ولی این مشکلاته ما کمتر داریم خو اس، ده دیگه جاها ما دیدیم این مشکلات ها.

ک: رابطه یتان با دیگر شرکت های که در عین صنعت مصروف هستند چگونه اس؟

QYPrivateKabul270818: با اکثریتش خوب اس. ولی یک چیز بسیار خطرناک در افغانستان این اس که رقابت داخلی افغانستان بسیار ناسالم اس. از رقابت خارجی کرده هم خراب اس.

ک: در چی شکلی مثلا؟

QYPrivateKabul270818: رقابت ناسالم، می خواهند که ضربه بزنند یک شرکت ره و او شرکت ره سقوط بدهند که باز اینها جایشه بگیرند. این طور یک حساب اس. مثلا، مه یک مثال میتم، شرکت های تولیدی در هرات زیاد اس. از پلاستیک. اصلا جای تولید هرات اس، ده افغانستان جای تولید هرات اس، شهرک صنعتی هرات. آنها تولیدگر پلاستیک شان بازار کابل ره، ماشین الاتی که ما داریم و آنها دارند یکی اس، فقط فرقش در این اس که آنها سر مرز اس و از گمرک که تیر می کنن محصول کمتر میتن. جنس بریشان ارزان تمام میشه از همو خاطر می آیند مال خوده عرضه می کنن و ما ره زیر فشار گرفته اند. رقابت ناسالم اس. باز اکثریت همین رقم اس. همین کارخانه ها زیاد سقوط هم می کنه. همینجه ما یک دو ماشین از یک کارخانه ی دیگر ره خریدیم که او ورشکست شد. زیاد کارخانه ی پلاستک ها ورشکست هم شده. به یک بی [ارزش] ناچیز مه ماشین آلاتش ره حتا به پول قرض خریدم. که او، این ماشین ها، وقتی که آدم ورشکست شوه به دردش هم نمی خوره. یعنی یک دلیلش رقابت بود که این آدم خودش رقابت می کنه، ما نمی کنیم. ما همو اصول کار خوده به اندازه، به همو رقمی که خود ما پلان گذاری کرده ایم به همو رقم پیش می بریم. ولی متضرر هم میشیم. وقتی که او رقابت ناسالم [...] اینها وقتی که یک اتحادیه داشته باشند و در اتحادیه نرخگذاری شوه که اینی جنسی ره که تولید کردیم صد افغانی شد ما و شما به 105 افغانی این ره در بازار سودا می کنیم که 5 افغانی به ما و شما مفاد بمانه. این طور نفرها شده که به 99 افغانی سودا می کنه، به 95 سودا می کنه. این ره به خاطری سودا می کنه که میگه مه مشتری ره جلب می کنم. این یک چند روزی که این رقم دوام کرد این آدم چون تاوان کرده میره، بالآخره به یک جایی میرسه که دیگه این ورشکست میشه و میره پشت کلای خود، پیسه های مردم ره هم می بره و بسیار جنجال اس. تا که به این مرحله میرسه ما ره هم بسیار ضربه میزنه. چون او نفرهای که تا اونجه رفته [مشتری های که به او انتقال یافته اند پس به بیایند] ما خو نمیریم کتی او که هم سطح او شویم [عین کار ره کنیم] چون ما کار خوده می کنیم. ما همو 105 افغانی ره در هر حال محکم می گیریم. ما در 95 نمیریم. اگه ده 95 بریم خو ما هم ورشکست میشیم و از بین میریم. ولی سر ما تأثیر بد داره به خاطری که مشتری های ما، بازار ما و کل ما ره از ما می گیرند. تا که او ورشکست میشه و میره، باز یک کسی دیگر میایه جایشه می گیره یک چند وقت بعد. همی مشکلات ها اس.

ک: ده حساب کمک های دولت در اول که شما می خواستید یک شرکت ایجاد کنید، طبعا از یک جایی جواز گرفتید، این نهاد برای شما گفت که در افغانستان در این بخش تولید نیاز اس، در این بخش نیس، شما پولتانه در این بخش سرمایه گذاری کنید؟

QYPrivateKabul270818: نی!

ک: در جریان این هشت سال همراه شما همکاری کرده باشه؟

QYPrivateKabul270818: نی. ده دولت خو هیچ والله اگه ما ره گفته باشه. ده دولت خو ما هیچ تقاضا هم نداریم که کتی ما همکاری کنه، نمی کنه هم. همکاری مثلا همین قدر میتانه باشه که برق برای ما باشه، جای برای تولید باشه، همو قانونی که پاس میشه به نفع مملکت باشه. این طور نمیگیم که به نفع ما باشه. حالی یک فابریکه ی که در داخل افغانستان اس باید این رشد کنه یا یک فابریکه ی پاکستانی یا ایرانی؟ این ره خو کل مردم می فهمه که فابریکه ی افغانستانی سرمایه ی ملی اس. این از شخص نیس خو از افغانستان اس. یک شرکت امریکایی ره مه برت نام بگیرم، شرکتی که مثلا گوگل اس، یا آیفون تولید می کنه، یا بنز اس، این ره خو کلگی میگه شرکت آلمانی، ولی او شخصی اس. ولی آلمانه نامشه بلند کرده. اگر شرکت سونی اس، همین تلویزیون سونی اس، این نام جاپانه بلند کرده. همی ده جاپان مالیه میته، مردمه ده کار مصروف کرده، نام جاپانه [...] ده دنیا نام جاپانه همی شرکت های معتبرش کرده. خو همی طور ما و شما هم میتانیم که شرکت های ما آهسته آهسته رُشد کنه و یک وقتی میشه که این طور شرکت هایی از این برآیه که بسیار نامدار، کلان کار کنه و افغانستان خودکفا شوه. این یک چهل سال، پنجاه سال، صد سال بعد. ولی از یک جایی خو باید شروع کنی.

ک: کمک های عام المنفعه؟

QYPrivateKabul270818: نی والله. نیس.

ک: در همین چندین سالی که شما فعال بوده اید، کدام سالی شده که احساس کرده باشد که کار تولید با صرفه نیست و قصد بستن شرکت ره گرفته باشید؟

QYPrivateKabul270818: ما خو اگه راست پرسان کنی همی فعلا هم ده همو فکر هستیم. ما هم که در ابتدا پیش رفتیم تا یک قسمت راه که پیش رفتیم فهمیدیم که ما جایی ره آمده ایم که پس رفت [برآمدن] ازش بسیار مشکل اس. ما بند ماندیم [قطع]

ک: چرا؟

QYPrivateKabul270818: به خاطر این که ده صنعت سرمایه ات کلش بند میمانه. تو نمیتانی که ای ره [...] ها، اگه یک سرمایه ی اضافی پیدا کنی، تو ازی سرمایه ی که بند اس باید ازی از کلش بگذری و تیر شوی دیگه. ها میشه [که در یک بخش دیگه سرمایه گذاری کنی]. ولی ما از آینده ی خود بسیار مطمین نیستیم. به خاطر این که هیچ آینده ی این معلوم نیس. همی دولت کتی ما چی خواهد کرد. یک کسی اینجه فابریکه داره همی دیروز مه خبر شدم که کارخانه ی او ره مهرلاک کرده. زیر بازرسی دولت اس. دولت امده به ای آدم گفته که تو باید ده ای پنج سال باید این قدر مالیه بتی، 20 لک بتی که چقدر بتی. این آدم خوده ده زمین زمین میزنه که مه 20 لک روپیه ره والله اگه تا به حالی ده یک سال جمع کرده باشم. میگن به ما مربوط نیس. اینه ما از روی اسناد کشیدیم که این قدر میشه و این قدر میشه. خو او خو به حساب دولتی میشه هم، راست میگن. به حساب دولتی میشه. ما این طور یک خاطره برت قصه کنم. یکی از دوست هایم ده جلال آباد فابریکه داشت، شرکت پلاستیک داشت، شرکت پلاستیک داشت. حالی هم اس اما بخش پلاستیک ره ایلا کرد. دیگه بخش ره شروع کرد. تجارت می کنه حالی. چای میاره. باز ای برای مه رفت ده همی، کتی ما یکجای رفت ده وزارت تجارت بود یا مالیه دهندگان که مالیه ی خوده تحویل می کردیم. باز از این پرسان کرد که تو اسنادهایته بیار که تو چقدر تولید کردی. کل چیزه ای راست گفت. کل چیزه حقیقت گفت. این آدم ده آخر سال ده یک سال یک میلیون افغانی ای عاید خالص کرده بود. این همی ره نوشته کرده بود. تو باور به خدا کو که سر ای 14.5 لک، یک میلیون و 450 هزار روپیه مالیه آمد. اینه تو خودت فکر کو که یک آدم ده ای مملکت کار میکنه. که یک آدمی که یک میلیون افغانی ده یک سال کار می کنه، باز او بروه ده آخر سال یک میلیون و 450 هزار به دولت مالیه بته. به خاطر این که گناه کرده [گناه مرتکب شده] که فابریکه جور کرده! مالیه خو این طور اس که اگه یک آدم 100 روپیه کار کرد تو بشین کتیش 10 رویپه اش ره تو بگیر، 20 رویپه اش ره تو بگیر، 30 روپیه اش ره بگیر، 70 روپیه اش ره خو به او بان. ولی اینجه سر چپه اس. مثلا یک مالیه اس که 3 فیصد می گیره، او مالیه ره اگه تو تاوان می کنی یا فایده می کنی او ره دولت می گیره، ده ای کار نداره. هر چی کنی، 3 فیصد مالیه ره دولت می گیره. باز یک مالیه دیگه اس که یک فیصد اس. یک مالیه دیگه هم یک فیصد اس. کلش هوایی اس. این ره که کلشه گرفت باز کتیت سنجش می کنه. او سنجش تو ره قبول نداره که تو برش سنجش کنی که اینه مه والله یک میلیون فایده کردم. نی! او برت سنجش می کنه که برادر تو یک میلیون نی، تو ده میلیون فایده کردی! در ده میلیون تو 20 میلیون مالیه بتی. تو خو یک میلیون فایده کردی، دو میلیون خو به دولت تحویل کو! یعنی کی میایه حاظر میشه در این حالت در اینجه کار کنه؟ یک چیز دیگر هم اس که همی قانون های غلط مردمه وادار به این می کنه که دروغ بگویند. مردمه به ای وادار می کنه که خیانت کنن. مردمه وادار به این می کنه که غلط باشند. یعنی این خودش یک تربیه غلط اس. حالی، اگه همی قانونی مالیه صحیح باشه، همی وادار نکنه مردمه به دروغ گویی که دروغ بگویه برش. 99.9 فیصد کسی که مالیه میته در افغانستان کلش دروغ میگه. 99.9 درصد. به خاطری که تو برو کتی هر فابریکه ای که تو سنجش می کنی، تو سنجش کنی به این قسم که اینها مالیه دهی می کنن و سیستم دارند، این سیستم ره کاپی کرده اند و از خارج آورده اند. در اینجه سر نمی خوره. ولی مجبورت می کنه، قانون دولت اس، همین چیز اس. ما 100 افغانی بود مچم چقدر بود [...] همی کارگرهای ما، از معاش کارگر ما مالیه می گیره!

ک: چند فیصد مالیه می گیرند از معاش؟

QYPrivateKabul270818: مه نمی فهمم والله یادم رفته، شاید 5 فیصد اس. تو سیل کو، اول خو باید دولت خوش باشه که ما [...] یکی این که ما مخالف مالیه نیستیم. مالیه صحیح اس. مالیه ره ما قبول داریم. چیزی که جزء افغانستان اس مالیه را ما قبول داریم و هر شخص باید مالیه بته. چی کارمند دولت اس چی کراچی وان اس، چی هر چی که اس. اما اول همینجه تبعیض اس. همی کارگر مه ره که 10 هزار روپیه برش معاش میتم ای مالیه داره، اما او کراچی وانی که سرک بند انداخته که 50 هزار پیدا می کنه، کسی نیس که از او مالیه بگیره. چرا؟ اینجه خو دولت اینجه گپه نمی شنوه. بی تفاوت اس. همی آدم ره اگه مه مالیه بگیرم خو ای از پیش مه می گریزه. همو ره هم مه تاوان میتم!

ک: مالیه ره باید خود صنعتکار بگیره؟

QYPrivateKabul270818: ها. اینالی او [دولت] از مه می گیره. دولت اگه از شخص بگیره، بروه پشت خانه های مردم مالیه بگیره. از همی کارگر می گیری، از کراچی وان می گیری، از خود شخص بگیر. شخص خودش یک شخص حقوقی اس، تابعیت همی مملکت ره داره، خودش برای خودش یک شخصیت اس. برو کتیش حساب کو، دولت هستی. 10 روپیه می گیره، 20 می گیری، 100 می گیری، از خودش برو بگیر. ولی این که میایی در کارخانه یک آدم که بیادر تو از این ره [...] ما چهار لک و چند روپیه جریمه تحویل کردیم به دولت که مالیه ی این سرچپه، خودش قانون ره پاس کرده، خودش نوشته کرده [...] مثلا سر از امروز یک قانون پاس میشه برای صبا. مثلا میگه که هیچ کس حق نداره که پیراهن تنبان بپوشه، مثلا. خو خیر، دولت اس همگی قبول می کنن، راستی هم میگن حتما کدام گپ اس و ما تابع دولت هستیم. ولی این که تو اگه پارسال هم پیراهن تنبان پوشیده باشی این ره تو ره جریمه کنه. او برادر قانون تو خو امروز پاس شد. این طور یک شرایط اس. ما والله پارسال هم سه لک افغانی دادیم. همی مردم های ما که همسایه ی ما هستند، حالی میتانی بروی سیل کنی، کارخانه یشان بند اس، به چهار لک و چند روپیه جریمه یشان کرده. دیگه این گونه مشکلات ها خیلی زیاد اس.

ک: بازاریابی و فروشات بیشتر در کدام شهر صورت می گیره؟

QYPrivateKabul270818: ما زیاد جنس های ما در جلال آباد و کابل سودا میشه. ولی ما عموما در تمام افغانستان سودا می کنیم.

ک: حجم بیشتر؟

QYPrivateKabul270818: همین کابل وجلال آباد.

ک: آخرین باری که برای توسعه ی شرکت؟

QYPrivateKabul270818: ما خو گفتیم که هیچ وقت یک کاری ره نکردیم که تغییرات عمومی ره ده این آورده باشه. ما کار ما همیشه [...] همی حالی هم مثلا پلان داریم. ما پلان داریم که یک ماشین دیگر ره بخریم اما تا آخر سال اگه این قدر فایده کنیم، در آن صورت یک مقدار مفاد این ره، نیم مفاد ره میرم یک ماشین می خرم. متوجه هستید؟ اگه ما فایده کنیم، در آنصورت. مه پیش خود سنجش کردیم که اگه مه 5 لک افغانی فایده کنم، مه 5 لک افغانی ره تا آخر ساله میرم یک ماشین می گیرم. همی حالی هم به همو اساس پیش رفته ایم.

ک: ولی آخرین بار کدام سال ماشین خریدید؟

QYPrivateKabul270818: ما از یک شرکته خریدیم که او ورشکست شده بود. ولی ما که از او گرفتیم کتیش قرارداد کردیم که ما پول تو ره به قسط برایت میتیم. باز آنها قبول کردند و ما همو، آنها چهار پایه ماشین داشتند که همو تغییرات آورد ده شرکت ما. تولید ما ره بالا کرد.

ک: بیشترین تعداد کارگری که تا به حال استخدام کرده اید چند نفر بوده؟

QYPrivateKabul270818: ما اکثریت ده همی ماه مبارک رمضان به کارگر زیاد ضرور میداشته باشیم. شاید او وقت تا 40 نفر هم بالا رفته.

ک: کارگرهای مقطعی؟

QYPrivateKabul270818: گرفتیم ولی گفتیمش که ما به یک ماه کارگر نیاز داریم. مزد زیادتر برایش دادیم.

ک: مارجن مفادتان چند اس در یک واحد فروش؟

QYPrivateKabul270818: 3 فیصد ما برایش تعیین کرده ایم. پلاستیک عموما مفاد بالا نداره. در کل دنیا همی قانون اس. مفاد ای از 3 فیصد تا 10 فیصد اس. یعنی ما اگه 7 فیصد مفاد کنیم، خوب مفاد کرده ایم. اگه 5 فیصد مفاد کنیم، بهترین مفاده کرده ایم. ولی بعضی مشکلات در جاهایی اس که همو 3 فیصد مفاد هم بعضی وقت ها که نرخ ارز هم تغییر کنه همو هم مفاد ما ره می خوره. باز ده او قسمت ما نمیتانیم چیزی کنیم. مثلا، ما محسابه کردیم، ما چون خرید ما به دالر اس، فروش ما ما به افغانی اس [قطع]

ک: همینجه گفتید خرید، مواد خام تان ره از کجا به دست می آورید؟

QYPrivateKabul270818: ما گفتیم که همینجه تجار اس و اینها میارند و [قطع]

ک: همه چیز ره؟

QYPrivateKabul270818: همه چیزه نی ولی عمده اش ره. او چیزهایی که جزئی اس او ره خود ما می خریم. او آن قدر سرمایه هم کار نداره، کم اس. اما چیز عمده، چیزی که 98 تا 97 فیصد مواد ما اس او ره میگم. باز او 2 فیصدی که همراه ای مخلوط میشه او ره باز زنگ میزنیم دوست ها اس روان می کنند.

ک: 97 تا 98 فیصد مصرف تولید بالای مواد خام از بیرون می آیه.

QYPrivateKabul270818:‌از بیرون می آیه ولی تجار میارن همینجه ستوک دارند و به قسم اوگرایی که قبلا گفتیم [...] مثلا مه برایش زنگ می زنم که از این جنس برایم روان کو روان می کنه باز هفته ی آینده میگه که پولشه بتی.

ک: این طور هم شده که در گدام مانده باشه تولیدات تان؟

QYPrivateKabul270818: ها زیاد، همی حالی هم مانده.

ک: ماشین آلات تان به درد همین یک نوع تولید می خوره؟

QYPrivateKabul270818: ها. فکر نکنم که در هیچ جایی این طور یک ماشین باشه که یک ماشین دیگه کار ره هم کنه. همو یک کار ره می کنه اگه او ره نتانست باز او هم از بین رفته دیگه ورشکست اس.

ک: فروشات تان هم به شکل اوگرایی است؟

QYPrivateKabul270818: هم نقد اس هم [...] کس هایی که دکاندار عمده اس، شناخته شده اس، آنها ره باز ما قرض هم میتیم.

ک: بیشتر به چی شکل اس؟

QYPrivateKabul270818: تقریبا زیاترش اوگرایی اس.

ک: شرکت های کلان کلانی که گفتید همرایشان معامله دارید [قطع]

QYPrivateKabul270818: ها شرکت ها هم اس. مثلا می شناسیم. این طور اوگرایی اس که امروز مثلا یک جنسه برش بردم باز او یک وقت تعیین می کنه که تو ده فلانه روز بیا پولته ببر. این طور اس. این طور نیس که پولشه [...] اوگرایی خو این طور یک سیستم اس که تو اگر یک 50 هزار قرضدا میباشی وقتی که نفر میایه، 10 هزار میتی، 40 هزارش می مانه. او اوگرایی میشه. ولی این که میری پولته می گیری از مشتری، باز ای به حساب یک مدت زمان همرایش قرش می کنی [که اوگرایی نیس].

ک: خریدار نو ره به چی شکل پیدا می کنید؟

QYPrivateKabul270818: نی بازاریاب داریم این میره یک بازاریابی می کنه. خوب یک سرچنگ می کنه در یک قسمتی که مثلا ما قبلا نرفتیم. او قسمت ره که رفت، مثلا 10 یا 15 نفر ره پیدا کرد، بعد از او باز راجع به همی معامله ی همی آدم که کتی دیگرها کرده این تحقیق می کنه که این معامله چی رقم بوده. که میشه که یک آدم بد معامله نباشه. باز، خوب که علم خوده آورد باز کتی ما جنسه اول به نقد سودا می کنیم. باز به مرور زمان که کهنه شده میریم و از یکی دیگر شناخت پیدا می کنیم اعتماد زیاد میشه باز میتانیم که برش قرض هم بتیم.

ک: از طریق انترنت، تلیفون [قطع]

QYPrivateKabul270818: نی نی.

ک: باید رو به رو نفر آشنا شوه؟

QYPrivateKabul270818: ها رو به رو.

ک: حد اوسط شما چند ساعت در روزی؟

QYPrivateKabul270818: مه خودم شاید 14 ساعت. شاید از 7 که بگیریش تا شامه، از شام هم تیر. حتا اکثریت وقت ها روزهای جمعه که مه میایم خبر می گیرم. از 12 ساعت تا 14 ساعت.

ک: کارگرهای عادی باز چند؟

QYPrivateKabul270818: ده ساعت کار می کنند.

ک: این طور شده که از پول این صنعت در یک بخش غیرصنعتی سرمایه گذاری کرده باشد؟

QYPrivateKabul270818: نی نی.

ک: انگیزه یتان، چرا در بخش تولید و چرا مشخصا در بخش پلاستیک و چرا در افغانستان؟

QYPrivateKabul270818: افغانستان خو ملک ما اس. این خو سرزمین ما اس. گفتن یگان تا، ما خیلی جاها ره به این نمیتیم. حالی که یک کمی جنگ اس و مشکلات اس این به همی هر چیزش ارزش داره. این که انسان همینجه باشه به مملکت خودش باشه. خو هر کس برداشت خوده داره. ما مخالف خارج هم نیستیم ولی مه خودم مخالف مهاجرت به خارج هستم. مخالف درس خواندن در خارج نیستم. مه برادرم ره گفتم که رفت به مالیزیا، مه خود تشویقش کردم که برو درس بخوان. ولی اگه یک کسی دیگر، بچیم هم کلان شوه و تشویق می کنم که به هندوستان، پاکستان، در هر جایی که ممکن اس درس بخانه چون امکان تحصیلی در مملکت ما و شما بسیار کم اس. ولی [...] یکی خو انگیزه همی اس که در مملکت خود باید کار کنی. دوم دیگر شوق [...] از ابتدا نبود ولی ما از ابتدا خواستیم برای خود یک کار بسازیم. همی حالت اقتصادی ما خوبتر شوه و فکر کردیم که همی فابریکه ره اگر جور کنیم شاید عاید زیاد به دست بیاریم. او وقت همی فکر ره کرده بودیم.

ک: انگیزه ی این شرکت ده پاکستان به شما دست داد؟

QYPrivateKabul270818: ها! ده اونجه کار کردیم ما، همین کاری ره که شروع کردیم، این طور انگیزه نبود که ما بریم صنعت ره رُشد بتیم. ولی ما این طور فکر کردیم که ما اگه همین کار ره کنیم پول زیاد به دست میاریم. مثلا ما ماهانه ده هزار کلدار کنیم، شاید 20 هزار، 30 هزار، 40 هزار و به همین شکل [آن زمان تصور می کردیم] که عاید ما نسبت به کاری که می کردیم دو، سه برابر بالا شد.

ک: پس که افغانستان آمدید؟

QYPrivateKabul270818: پس که افغانستان آمدیم، کار شخصی خوده شروع کردیم. ولی به مرور زمان ما علاقه ی ما ده صنعت زیاد شد. این گفتن یگان تا که به همی شوق ما تبدیل شد. ها! او وقت نبود. در ابتدا همو مسأله مالی بسیار مهم بود به مه. او وقت [...] ولی حالی هم یک بخش، یک طرف تجارت باشه یا کار دیگه باشه، این طرف 10 رویپه باشه و این طرف یک روپیه، مه همو یک روپیه ی صنعت ره [انتخاب می کنم]. چون ده همی بخش علاقه داریم، شوق ما ده همی اس. خوش ما می آیه. تحقیق کنیم، در همی بخش کار کنیم، برای ما بسیار جالب اس همی بخش ما، همی کار ما. ماشین آلات ما. ما ره اگه همی فیسبک ما ره هم سیل کنی همو بخش ماشین آلات پلاستیک اس. اگه گفتن یگان تا اگه ده انترنت سرچ ما ره هم سیل کنی، اکثریتش ده همی بخش اس. ما علاقه داریم به همی، همی خوش ما می آیه. تا اندازه ای که ما حد اقل بتانیم ده همی عاید کنیم و بخور و نمیر ما باشه، ما هستیم. اگه نشد، از او بالا، دولت اگه خیلی پچق کرد، باز خدا می فهمه و کارش دیگه [خنده] ها دیگه.

ک: تشکر بسیار زیاد!

QYPrivateKabul270818: قربانت. خیر ببینی.